



د بنځو رهبري اکاډمۍ
آکاډمۍ رهبري زنان
WOMEN'S LEADERSHIP ACADEMY



د افغانستان د اقتصادي او حقوقي مطالعاتو موسسه
موسسه مطالعات اقتصادي و حقوقي افغانستان
Afghanistan Economic & Legal Studies Organization

پیامدهای تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش بر رشد اقتصادی و اجتماعی افغانستان

نویسنده: دیانا دانشور؛ فارغ دور دوم آکاډمۍ رهبري زنان AELSO
راهنما: عبدالقاهر بهشتی

میزان 1402

چکیده

تبعیض جنسیتی در آموزش، عامل بازدارنده‌ی رشد اقتصادی و اجتماعی است که پس از تسلط طالبان در سال 2021، تبعیض در آموزش زنان و دختران افغان به معضله بزرگ ملی و بین‌المللی مبدل گردیده است. لذا مطالعه پیامدهای تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش را از همین جهت می‌توان مورد توجه قرار داد. این تحقیق نوعی از تحقیق ترکیبی (میدانی و کتابخانه‌ی) بوده، که در 34 ولایت افغانستان برای 395 تن پرسشنامه‌های آنلاین بگونه‌ی تصادفی و با استفاده از فرمول یمانه توزیع و جمع‌آوری گردیده است. جهت تحلیل دیتاها از SPSS استفاده شده که نتایج آزمون آلفای کرونباخ نشان داد، داده‌ها از اعتبار خوبی برخوردار اند (0.836)، ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که به استثنای یک متغیر (اسلام)، میان سایر متغیرها با تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش رابطه‌ی معنادار وجود داشته که در برخی از متغیرها جهت رابطه مثبت و در برخی منفی، همچنین، شدت رابطه میان بعضی از متغیرها قوی و میان بعضی ضعیف است. در تحلیل رگرسیون چند متغیره، مقدار ضریب تعیین تعدیل 0.420 است به این معنی که متغیرهای مستقل توانسته اند 42 فیصد واریانس متغیر وابسته را پیش‌بینی نمایند. سطح معناداری نشان می‌دهد که رابطه میان متغیرهای تحقیق و رشد اقتصادی و اجتماعی معنادار است. نهایتاً، تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش، پیامدهای منفی را در بر داشته که این پیامدها، باعث کاهش رشد اقتصادی و اجتماعی در کشور می‌گردند.

واژه‌های کلیدی: افغانستان، تبعیض جنسیتی، زنان، آموزش، رشد اقتصادی و رشد اجتماعی.

مقدمه

تبعیض جنسیتی به مثابه یک پدیده شوم، در همه جوامع هم از پیشرفته و عقب مانده با سطوح مختلف وجود دارد. جامعه سنتی افغانستان نیز از آن مصون نمانده و در حال حاضر، افغانستان از لحاظ شاخص شگاف جنسیتی در جهان، رده آخر لیست (146) را به خود اختصاص داده که این امر نشان می‌دهد تبعیض جنسیتی در افغانستان به اوج خود رسیده است. آموزش زنان به مثابه نیمی از نیروی انسانی تأثیر بسزایی در رشد و انکشاف کشور دارد، زنان آموزش دیده و متخصص، در امر انجام فعالیت‌ها بهره‌وری بیشتر داشته، از طریق انجام فعالیت‌های علمی کسب عاید نموده و در عرصه اقتصاد خانواده و کشور مؤثر واقع می‌گردند. همچنین زنان با دانش می‌توانند در عرصه آموزش فرزندان نیز نقش ارزنده‌تری نسبت به مادران بی‌سواد داشته باشند و خانواده را با کسب مهارت از طریق آموزش بگونه‌ای بهتر مدیریت نمایند. طی سال‌های اخیر میزان مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف به ویژه آموزش سیر صعودی خود را پیمود که زنان نقش فعال و ارزنده‌ی را در رشد اقتصادی و اجتماعی کشور از خود تبارز دادند. بر مبنای اینکه، آموزش زنان نقش فعال و ارزنده و مهم در رشد اقتصادی و اجتماعی کشور داشته اما در شرایط موجود حکومت طالبان بگونه‌ی افراطی تبعیض در دسترسی به آموزش زنان قایل شده اند و زنان از انجام هر گونه عمل و فعالیت (به شمول کسب علم و دانش) در خارج از خانه ممنوع شده اند، این تحقیق تحت عنوان پیامدهای تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش بر رشد اقتصادی و اجتماعی افغانستان انجام شده است. هدف اصلی تحقیق بر این محور می‌چرخد تا پیامدهای تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش مشخص گردیده و میزان اثرات آن بر رشد اقتصادی و اجتماعی کشور تبیین گردد. مبنای تئوریکی این تحقیق را نظریه سرمایه انسانی تئودور شولتز تشکیل می‌دهد که وی معتقد است؛ کلید توسعه، خود انسان است نه منابع مادی. لذا مهمترین عامل برای توسعه جوامع، سرمایه‌گذاری در امور انسان‌ها است، یعنی سرمایه‌گذاری در ابعاد ارزشی، روحی، فکری و جسمی آن. بناً تداوم چنین افراط‌گرایی مسبب از دست رفتن یک نسل خواهد شد.

روش انجام تحقیق ترکیبی (میدانی و کتابخانه‌ی) بوده و داده‌های کمی با استفاده از توزیع پرسشنامه بصورت آنلاین جمع‌آوری گردیده است.

مبانی نظری و پیشینه‌ی تحقیق

نگاهی به تاریخ تمدن و فرهنگ جوامع بشری نشان می‌دهد که نابرابری همواره واقعیتی توجیه ناپذیر بوده است. در میان نابرابری‌ها، نابرابری میان زن و مرد از جمله مواردی است که در طول تاریخ بشر به طور مستمر مطرح است. تفاوت‌های اجتماعی از قبیل شیوه زندگی و فرصت‌ها و امتیازهایی که جامعه برای افراد قائل می‌شود، موجب پیدایش نابرابری اند. آموزش نیز از این امر مصون نبوده و تبعیض جنسیتی در آموزش به این معنی که زنان و مردان به طوری یکسان به امکانات آموزشی دسترسی ندارند. این نوع تبعیض موجب کاهش متوسط سرمایه انسانی در جامعه می‌شود و به عمل در اقتصاد صدمه وارد می‌کند.

از منظر اسلام، علم نور و بینایی است و دستیابی به آن بر هر مسلمانی فرض است. آیا می‌توان گفت که از نظر اسلام تنها بر مردها لازم شده که از ظلمت خارج شوند و به روشنائی برسند، اما زنان چنین وظیفه‌ای ندارند و باید همچنان در ظلمت جهل و نادانی باقی بمانند؟! تمام آیات و روایاتی که درباره تحصیل علم و دانش وارد شده، همانند «یاایهاالناس» و «یاایهاالذین آمنوا» عمومی است و شامل زن‌ها هم می‌شود. همانگونه که خداوند ^ج در سوره علق می‌فرماید: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ. خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ. اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ...» (قرانکریم، علق). ترجمه: بخوان به نام پروردگارت که انسان را از خون بسته آفرید. بخوان که پروردگارت گرامی تر است. پروردگاری که به قلم به انسان علم آموخت. در این آیات مخاطب نوع انسان (اعم از زن و مرد) که هر دو از علق آفریده شده اند و برای هر دو دستور خواندن و فراگیری و آگاهی نازل شده است. رسول مکرّم اسلام ^ص فرمود: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» ترجمه: جستجو و تحصیل علم بر هر مسلمانی واجب است (علی بخش زاده و همکاران، 2022).

اسلام هیچ نوع تبعیض و تمایزی را میان زن و مرد نمی‌داند. تنها عامل برتری انسانی بر انسان دیگر و گروهی بر گروه دیگر تقوی و نیکوکاری است (علوی و همکاران، 2009). اسلام همواره به انسانیت زن تأکید ورزیده و برای آن اهلیت تکلیف و مسؤولیت جزاء و پاداش، و دخول بهشت را داده است (قرضاوی، 2013).

انواع تبعیض جنسیتی

آمارتیا سن¹ نابرابری جنسیتی را به هفت صورت تقسیم می‌کند:

- (1) نابرابری در مرگ و میر²
- (2) نابرابری در زاد و ولد²
- (3) نابرابری در تسهیلات اساسی³
- (4) نابرابری در فرصت‌های ویژه⁴
- (5) نابرابری حرفه‌ای⁵
- (6) نابرابری در مالکیت⁶
- (7) نابرابری در خانواده⁷ (Sen, 2001).

طالبان و آموزش در افغانستان

زنان افغان در طول تاریخ با تبعیض شدید روبرو بوده اند. علیرغم آن، افغانستان طی دو دهه گذشته در راستای تحقق حقوق بشر زنان و دختران گام‌های بزرگی برداشته است. گام‌های متذکره شامل تسجیل حقوق زنان و تساوی جندر/ برابری جنسیتی در قانون اساسی مصوب سال 2004 و سایر قوانین کشور، منجمله مصوبه قانون منع خشونت علیه زنان، (CEDAW)، ایجاد وزارت امور زنان، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، و خدمات اختصاصی حمایت از قربانیان و میکانیزم‌های پاسخ‌دهی در برابر خشونت مبتنی بر جنسیت می‌باشند. همچنان افغانستان به پیشرفت‌های قابل ملاحظه در عرصه آموزش زنان و دختران، صحت و مشارکت زنان در امور عامه نایل آمده است. قبل از حاکمیت طالبان، زنان در کرسی‌های پارلمانی، پست‌های وزارت‌ها، وظایف دیپلوماتیک و مراجع ارشد، منجمله به حیث قضات و روسای کمیسیون‌های مستقل ایفای وظیفه می‌نمودند، اما متأسفانه در حال حاضر هیچ کدام آنها در این پست‌ها باقی نمانده اند (گزارشگر ویژه، 2022).

¹ Amartya Sen

² Mortality Inequality

³ Basic Facility Inequality

⁴ Special Opportunity Inequality

⁵ Professional Inequality

⁶ Ownership Inequality

⁷ Household Inequality

همچنین بین سال‌های 2000 تا 2018، امید به زندگی زنان از 57 درصد به 66 درصد افزایش یافت اما هنوز نابرابری‌های جنسیتی بزرگ وجود دارد (Al Dardari, 2020).

اداره ملی احصائیه و معلومات افغانستان⁸، میزان نفوس را در سال 2022، 34.3 میلیون نفر برآورد نموده است که 17.5 میلیون نفر (51.0 درصد) آن را مردان و 16.8 میلیون نفر (49.0 درصد) آن را زنان تشکیل می‌دهند (اداره ملی احصائیه و معلومات، 2022).

تعداد مجموعی کارکنان خدمات ملکی در سال 2021 به تعداد 405863 نفر گزارش داده شده است که از آن جمله 78 فیصد آن مرد و 22 فیصد آن زن می‌باشد. این تعداد در مقایسه سال گذشته به اندازه 2 فیصد کاهش را نشان می‌دهد. ارقام مربوط به درجه تحصیل کارمندان دولت، نشان می‌دهد که از مجموع 315385 کارمندان خدمات ملکی، دولتی 400 نفر دوکتورا، 8992 نفر ماستر، 112439 نفر لیسانس 193554 نفر پایین تر از درجه لیسانس در چوکات دولت ایفای وظیفه می‌نمایند.

ارقام وزارت معارف کشور نشان می‌دهد که در سال 2021 مجموعاً 10364985 متعلم شامل مکاتب ابتدائیه، متوسطه، لیسه، لیسه های مسلکی، انستیتوت‌های تخنیکی و مسلکی، تربیه معلم و تعلیمات دینی می‌باشد. از آن جمله 9501229 آن مربوط تعلیمات عمومی دولتی، 863756 آن مربوط به تعلیمات خصوصی می‌باشد. تعداد مجموع معلمین در سال 1400 در کشور 249267 تن بالغ می‌گردد که از آن جمله 205084 آن بخش دولتی و 44183 در بخش خصوصی می‌باشد (اداره ملی احصائیه و معلومات، 2021).

دیتاها نشان می‌دهند که بین سال‌های 2001 و 2018، کشور شاهد افزایش ده برابری ثبت نام در تمام سطوح آموزشی از حدود 1 میلیون دانش آموزش در سال 2001 به حدود 10 میلیون دانش آموزش در سال 2018 بود. تعداد دختران در مکاتب ابتدائی از تقریباً صفر در سال 2001، به 2.5 میلیون در سال 2018 افزایش یافت. تا آگست 2021، از هر 10 دانش آموز در دوره ابتدایی، 4 نفر دختر بودند. از سپتامبر 2021، بازگشت همه دختران افغان بالای 12 سال به مکتب برای مدت نامعلومی به تعویق افتاده و 1.1 میلیون دختر و زن جوان به آموزش رسمی دسترسی ندارند. در حال حاضر 80 درصد از دختران و زنان جوان (2.5) میلیون نفر در سن مدرسه از مدرسه باز مانده اند. نزدیک به 30 درصد از دختران در افغانستان هرگز وارد آموزش ابتدایی نشده اند (دریانی، 2023).

⁸ NSIA

Web: NSIA.GOV.AF

همچنین ارقام تحصیلات عالی کشور بیانگر آن است که در سال 1400 مجموع محصلان پوهنتون‌ها و موسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصی بالغ بر 351231 نفر می‌گردد که به تناسب سال قبل 19 فیصد کاهش را نشان می‌دهد. از آن جمله 247377 تن آنرا محصلین ذکور و 103854 تن آنرا محصلین اناث تشکیل می‌دهد. تعداد پوهنتون‌ها و موسسات تحصیلات عالی خصوصی و دولتی در سال 1400 به 168 باب رسیده که 129 آن خصوصی و 39 آن دولتی می‌باشد. استادان پوهنتون‌ها و موسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصی در سال 1400 به 16845 نفر رسیده که از آن جمله 2423 نفر زن و 14422 نفر مرد می‌باشد و 9.8 فیصد نسبت به مجموع استادان سال 1399 کاهش را نشان می‌دهد (اداره ملی احصائیه و معلومات، 2021). در دسامبر 2022، تحصیلات دانشگاهی برای زنان تا اطلاع ثانوی به حالت تعلیق درآمد و بیش از 100000 دانشجوی دختر را که در موسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی تحصیل می‌کردند تحت تاثیر قرار داد. حضور زنان در تحصیلات عالی افغانستان تقریباً 20 برابر افزایش یافته بود، از 5000 دانشجوی دختر در سال 2001 به بیش از 100000 در سال 2021. نرخ باسوادی در طول این دوره دو برابر شده است، از 17 درصد زنان قادر به خواندن و نوشتن در سال 2001 به نزدیک 30 درصد در سال 2021. تعداد زنان در آموزش عالی طی سال‌های 2001 و 2018، تقریباً 20 برابر شده بود و قبل از تعلیق اخیر، از هر سه زن جوان، یک زن در دانشگاه‌ها ثبت‌نام می‌کردند (دریانی، 2023). سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) تخمین زد که ده میلیون جوان و بزرگسال در افغانستان در ماه مارچ 2020 بی‌سواد بودند، به این معنی که نرخ باسوادی در این کشور به 43 درصد رسیده است. آنها پیشرفت قابل توجهی را در مقایسه با سال‌های گذشته (نرخ باسوادی 2016/2018 به 34.8%) ذکر کردند و بهبود قابل توجهی در نرخ باسوادی در میان جوانان 15 تا 24 ساله (65%) را برجسته کردند، با این حال شگاف جنسیتی قابل توجهی در نرخ بیسوادی وجود دارد که مردان 55% و زنان 29.8% هستند (CDAC, 2022).

با اینکه نرخ باسوادی قبل از طالبان در حال رشد بوده است اما با روی کار آمدن حکومت طالبان، اخذاً برای زنان نرخ سواد کاهش یافته است. در سراسر جهان همه حق تحصیل دارند، اما در افغانستان دختران و زنان از این حق اساسی محروم شده اند و دیگر اجازه اشتراک در مکاتب متوسطه و تحصیلات عالی را ندارند. این کشور در معرض خطر نسل از دست رفته است زیرا برای توسعه یک کشور، تحصیل زنان ضروری است.

⁹ <https://www.cdacnetwork.org/media-landscape-guides>

پیشینه‌ی تحقیق

با توجه به اهمیت مسأله آموزش و اهمیت آن بر رشد اقتصادی و اجتماعی، تحقیقات داخلی و خارجی فراوانی صورت گرفته است که اینک به بررسی برخی از آنها می‌پردازیم:

مطالعات انجام شده توسط تئودور شولتز، هاریسون، کندریک، آبراموویتز، بکر، بومن، کوزنتس و دیگر اقتصاددانان نشان می‌دهد که افزایش نسبی سرمایه‌های سرمایه گذاری شده در آموزش و پرورش یکی از مهمترین عوامل تضمین کننده رشد اقتصادی امریکا است (قره باغیان، 1390). زاهد و همکاران تحقیقی را تحت عنوان "از تبعیض جنسیتی به سوی برابری و رشد اقتصادی" انجام داده که نتایج آن نشان می‌دهد، آموزش زنان به معنای کاهش سطح باروری، کاهش میزان مرگ و میر کودکان و ارتقای سطح آموزش نسل بعدی است که هر عامل به نوبه خود تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد بر بنیاد یافته‌های تحقیق که توسط حفیظ الله ایوبی و همکاران تحت عنوان "بررسی رابطه میان درآمد خانم‌ها و مصارف خانواده" با مطالعه‌ای موردی ولایت تخار انجام شده، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین فیصدی عاید خانم‌ها (9.2%) از میان مصارف مختلف، صرف‌تعلیم و تحصیل اولادها می‌گردد¹⁰ (Aiuby & Danishwar, 2022). نتایج حاصله از تحقیق صورت گرفته در مورد "اثر تبعیض جنسیتی بر آموزش در رشد اقتصادی کشورهای خاورمیانه و شمال افریقا" نشان دهنده این است که نابرابری جنسیتی آموزشی، اثر منفی و معنادار بر رشد اقتصادی داشته و این موضوع ضرورت توجه به کاهش شکاف جنسیتی برای افزایش رشد اقتصادی را نشان می‌دهد (نیک پی طبری و میلا علمی، 2014). یافته‌های تحقیقی تحت عنوان "آیا تبعیض جنسیتی عامل بازدارنده رشد اقتصادی کشورهاست؟" نشان دهنده این است که تبعیض جنسیتی در آموزش و در دستمزد اثر منفی بر رشد اقتصادی می‌گذارد (رحمانی و کاوه، 1394). پرتوی و همکاران تحقیقی را در مورد "اثر نابرابری جنسیتی بر رشد اقتصادی ایران" به انجام رسانیده اند که نتایج آن نشان می‌دهد، که آموزش تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی ایران دارد و به هر میزان نابرابری جنسیتی در بخش‌های آموزش و اشتغال کاهش یابد نرخ رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. بنابراین با افزایش متوسط سال‌های تحصیل زنان رشد اقتصادی افزایش می‌یابد (پرتوی و همکاران، 2009). نتایج تحقیقی تحت عنوان "بررسی رابطه بین توسعه اقتصادی و نابرابری جنسیتی در استان‌های ایران" حاکی از این است که یک ارتباط U وارونه بین نابرابری جنسیتی و درآمد سرانه وجود دارد. همچنین ارتباط معکوسی بین نابرابری جنسیتی با صادرات و ارتباط مستقیمی با سهم بخش صنعت در

¹⁰ <https://ijsrr.com/journal/artical/view/673/656>

اقتصاد مشاهده شد. این تحقیق تأثیر یکنواخت توسعه بر نابرابری جنسیتی، یعنی دیدگاه‌های فمینیستی و نئوکلاسیک را به چالش کشیده و بجای پذیرش یک سیاست عام، لزوم اجرای برنامه‌های مبارزه با کاهش نابرابری جنسیتی بخصوص متناسب با سطوح توسعه اقتصادی، مناطق مختلف را پیشنهاد می‌کند (رزمی و کاوسی، 2014). تحقیقی در مورد "توانمند سازی زنان برای مشارکت در توسعه" به منظور بررسی عوامل مؤثر بر توانمندی زنان صورت گرفته که نتایج آن نشان می‌دهد، عواملی چون افزایش سطح تحصیلات، دسترسی به منابع مالی، بهبود وضع سلامت، برخورداری از حق مالکیت قانونی، رفع تبعیض از بازار کار و حذف باورهای سنتی از عوامل مؤثر در توانمند سازی زنان هستند (کتابی و همکاران، 1382). عبادی و صالحی تحقیقی را پیرامون "اثر نابرابری انسانی در زنان و مردان بر امید به زندگی" نشان می‌دهد که در کشورهای در حال توسعه هر قدر از نابرابری سرمایه انسانی در زنان و مردان کاسته می‌شود، امید به زندگی به طور معنادار افزایش می‌یابد. نکته قابل توجه دیگر این است که کاهش نابرابری سرمایه انسانی در زنان به طور معناداری بیشتر از کاهش آن در مردان بر امید به زندگی تأثیر دارد (عبادی و صالحی، 1389). تحقیقی در مورد "بررسی رابطه ابعاد احساس نابرابری‌های جنسیتی با سلامت روان زنان شاغل" انجام شده که نتایج آن نشان می‌دهد، از نظر وضعیت سلامت روان، 44.6 درصد کمترین مقدار اختلال روانی را دارند و 45.1 درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد، احساس نابرابری جنسیتی را ابراز داشتند. همچنین رابطه مثبت و معناداری بین احساس نابرابری جنسیتی و سلامت روان وجود داشت؛ به طوری که هرچه احساس نابرابری کمتر باشد، سلامت روان افراد بهتر است (خاوری و همکاران، 1392). مطالعات متعدد نشان دهنده ارتباط بین شرایط اجتماعی و وضعیت بهداشتی است. افزایش برابری جنسیتی زنان و دسترسی زنان به آموزش و بهداشت برابر سبب افزایش درآمد، کاهش فقر و افزایش رشد اقتصادی می‌شود (زاهد و همکاران، 1399).

فوربز¹¹ (2000)، لوتز و همکاران¹² (2007)، برومنت¹³ (2008) و دلار و گاتی¹⁴ (1999) نیز مطالعاتی در زمینه تبعیض جنسیتی در آموزش و نحوه اثرگذاری آن بر رشد اقتصادی انجام داده اند. نتیجه نهایی آنها این بود که تبعیض در تحصیلات اثر منفی بر رشد اقتصادی می‌گذارد (رحمانی و کاوه، 1394).

¹¹ Forbes

¹² Balamoune-Lutz & McGillivray

¹³ Brumnet

¹⁴ Dollar & Gatti

روش تحقیق

بر اساس آمار ارایه شده توسط اداره ملی احصائیه و معلومات افغانستان، مجموع نفوس افغانستان در سال 1401 به 34262.84 میلیون نفر می‌رسد که 51% آن را مردان و 49% آن را زنان تشکیل می‌دهند. در این تحقیق جهت دریافت دیدگاه مردم در مورد پیامدهای تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش بر رشد اقتصادی و اجتماعی افغانستان، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی و تعیین حجم نمونه یمانه، برای 395 تن (50% مرد و 50% زن)، فورم‌های آنلاین در 34 ولایت افغانستان توزیع و جمع‌آوری گردیده است. نوع این تحقیق کاربردی است که برای جمع‌آوری اطلاعات از روش ترکیبی (میدانی و کتابخانه‌ای) استفاده شده است. در روش میدانی پرسشنامه توزیع گردیده و در روش کتابخانه‌ای از کتاب، مجلات، مقالات، وبسایت‌ها، گزارشات و... استفاده شده است. پرسشنامه استفاده شده در این تحقیق از نوع طیف لیکرت یا پنج گزینه‌ای می‌باشد که در دو بخش تنظیم شده است؛ بخش نخست آن داده‌های جمعیت شناختی را در بر گرفته و بخش دوم آن مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق است. اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از پرسشنامه و روش کتابخانه‌ای، به دو روش تجزیه و تحلیل شده است. تحلیل کمی پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شده و همچنین اطلاعات کتابخانه‌ای و کیفی، مورد تجزیه و تحلیل کیفی قرار گرفته است.

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق**(1) آمار توصیفی**

جامعه آماری در تحقیق حاضر، مجموع نفوس افغانستان از 34 ولایت بوده که بگونه‌ای تصادفی، با استفاده از فرمول یمانه به منظور تعیین حجم نمونه، برای 395 تن، پرسشنامه توزیع و جمع‌آوری گردیده است.

$$n = \frac{N}{1 + N(e)^2} \quad 15$$

جهت تخلص، داده‌های جمعیت شناختی طی یک جدول تنظیم گردیده و ذیلاً ارائه شده است.

¹⁵ فرمول یمانه به منظور تعیین حجم نمونه از جامعه آماری

جدول 1: داده‌های جمعیت شناختی (جنسیت، حالت مدنی، وضعیت اقتصادی، حالت شغلی و سطح تحصیلات).

سطح تحصیلات			حالت شغلی			وضعیت اقتصادی			حالت مدنی			جنسیت		
فیصدی	تعداد	تحصیل	فیصدی	تعداد	شغل	فیصدی	تعداد	اقتصاد	فیصدی	تعداد	حالت مدنی	فیصدی	تعداد	جنسیت
24.1	95	دوازده- پاس	53.2	210	بیکار	6.1	24	ثروتمند	28.9	114	متاهل	50.4	199	اناث
6.8	27	چهارده- پاس	46.8	185	شاغل	80.5	318	متوسط	67.8	268	مجرد	49.6	196	ذکور
50.4	199	لیسانس				13.4	53	فقیر	3.3	13	نامزد			
16.5	65	ماستر												
2.3	9	دکتر												
100	395	مجموع	100	395	مجموع	100	395	مجموع	100	395	مجموع	100	395	مجموع

منبع: یافته‌های تحقیق SPSS26

مطابق جدول فوق، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از میان 395 پاسخ دهنده، بیشترین آنها را زنان با یک درصد تفاوت از مردان تشکیل می‌دهند (50.4 فیصد)، بیشترین پاسخ دهندگان مجرد هستند (67.8 فیصد)، اکثریت اشتراک کنندگان از طبقه متوسط جامعه می‌باشند (80.5 فیصد)، بیشترین پاسخ دهندگان بیکار اند (53.2 فیصد) و داده‌ها در مورد سطح تحصیلات افراد نشان می‌دهد که اکثریت اشتراک کنندگان در این تحقیق (50.4 درصد) دارای تحصیلات در سطح لیسانس اند.

سنجش پایایی یا اعتبار داده‌ها

در تحقیق حاضر، پرسشنامه براساس 3 شاخص و 15 گویه از قبیل، شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و دینی در ارتباط با تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش بر رشد اقتصادی و اجتماعی افغانستان تنظیم گردیده است. لازم به ذکر است که این شاخص‌ها و گویه‌ها براساس مطالعات تئوری تهیه شده اند و برای سنجش میزان اعتبار سوالات از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده و اعتبار این داده‌ها بصورت کل مطابق جدول ذیل سنجش گردیده است.

سنجش پایایی گویه‌های تحقیق	
آلفای کرونباخ	گویه‌ها
.836	15

منبع: یافته‌های تحقیق SPSS26

مطابق یافته‌های فوق، میزان آلفای کرونباخ (0.836) بیشتر از 0.7 بوده که نشان می‌دهد داده‌ها از اعتبار و پایایی قابل قبول و خوبی برخوردار است و می‌توان آن را به سایر جامعه تعمیم بخشید.

الف) پیامدهای اقتصادی: از میان گویه‌ها 10 گویه مرتبط با شاخص اقتصادی است که یافته‌ها نشان می‌دهد اکثریت پاسخ دهنده‌گان (80.5 درصد)، اثر تبعیض جنسیتی بر رشد اقتصادی را بسیار زیاد دانسته اند. بیشترین پاسخ دهنده‌گان (79.7 درصد)، یکی از پیامدهای تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش را کاهش بهره‌وری و توانمندی زنان دانسته اند. (58.9 درصد) بیکاری را از پیامدهای تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش دانسته اند که اکثریت پاسخ دهنده‌گان را تشکیل می‌دهند. بیشترین پاسخ دهنده‌گان (63 درصد)، افزایش بسیار زیاد فقر را از جمله پیامدهای تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش بیان کردند. بیشترین اشتراک کننده‌گان (57.2 درصد)، باور دارند که کاهش بسیار زیاد سرمایه‌ی انسانی از پیامدهای تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش است. اکثریت اشتراک کننده‌گان (46.3 درصد)، به این نظر موافق اند که از پیامدهای تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش کاهش بسیار زیاد اشتغال است. (41.8 درصد) پاسخ دهنده‌گان بیان داشته اند که تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش کاهش بسیار زیاد تولیدات داخلی را در بر دارد. حد اکثر (44.6 درصد)، اشتراک کننده‌های تحقیق بیان داشته اند که از پیامدهای تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش کاهش زیاد عاید ملی است. (50.9 درصد) پاسخ دهنده‌گان از پیامدهای تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش را اثر نامطلوب بسیار زیاد تخصص نیروی کار می‌دانند و (44.6 درصد) اشتراک کننده‌ها باومند اند کاهش زیاد خلاقیت و نوآوری از پیامدهای تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش است (جدول 2).

جدول 2: پیامدهای اقتصادی

شماره	پرسش‌ها	شاخص‌ها				
		بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
		فیصدی معیاری				
1	تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش اثر منفی بر رشد اقتصادی و اجتماعی دارد.	80.5	14.9	2.0	0.5	2.0
2	تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث کاهش بهره‌وری و توانمندی زنان می‌گردد.	79.7	18.7	0.8	0.3	0.5
3	تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث افزایش بیکاری می‌گردد.	58.0	31.4	8.1	2.3	0.3
4	تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث افزایش فقر می‌گردد.	63.0	25.1	10.6	0.8	0.5
5	تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث کاهش سرمایه انسانی می‌گردد.	57.2	33.7	6.3	2.5	0.3
6	تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث کاهش اشتغال می‌گردد.	46.3	31.6	19.2	2.5	0.3
7	تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث کاهش تولیدات داخلی می‌گردد.	41.8	34.7	23.0	0.3	0.3
8	تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث کاهش عاید ملی می‌گردد.	38.2	44.6	12.7	4.3	0.3
9	تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش اثر نامطلوب بر تخصص نیروی کار دارد.	50.9	30.1	16.2	0.3	2.5
10	تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث کاهش خلاقیت و نوآوری می‌گردد.	42.3	44.6	10.4	2.5	0.3

منبع: یافته‌های تحقیق SPSS26

ب) پیامدهای اجتماعی: از میان گویه‌های تحقیق، 3 گویه مرتبط با بخش‌های اجتماعی است که بر مبنای یافته‌ها می‌توان تبیین نمود، اکثریت اشتراک‌کننده‌گان در تحقیق (74.4 درصد)، از پیامدهای اجتماعی تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش را تأثیر منفی بسیار زیاد آن بر آموزش فرزندان بیان داشته‌اند. (56.7 درصد) با این امر موافق بوده‌اند که از پیامدهای تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش، کاهش بسیار زیاد امید به زندگی است. از میان اشتراک‌کننده‌گان (61.3 درصد) باورمندند که از پیامدهای تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش، افزایش بسیار زیاد خشونت‌های خانوادگی است و

نهایتاً (44.8 درصد) اشتراک کنندگان باورمند اند که تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش، پیامد اثرات مثبت روحی بسیار زیادی را بر زنان در بر داشته است (جدول 3).

جدول 3: پیامدهای اجتماعی

شماره	پرسش‌ها	شاخص‌ها				
		بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
		فیصدی معیاری				
1	تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش پیامد منفی بر آموزش فرزندان دارد.	74.4	21.0	2.0	0.3	2.3
2	تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث کاهش امید به زندگی می‌گردد.	56.7	29.6	6.6	2.3	4.8
3	تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث افزایش خشونت های خانوادگی می‌گردد.	61.3	16.7	10.6	6.6	4.8
4	تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش اثرات مثبت روحی بر زنان دارد.	44.8	17.5	2.0	4.3	31.4

منبع: یافته‌های تحقیق SPSS26

ج) پیامدهای دینی: از میان گویه‌ها، تنها یک گویه یا پرسش مرتبط با دین مطرح شده بود که یافته‌ها نشان می‌دهد، بیشترین پاسخ دهنده‌گان (64.3 درصد)، باورمند اند که تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش از نظر اسلام بسیار زیاد مورد قبول نیست. بر این مبنا، تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش ساخته و پرداخته‌ی یک گروه کوچک جهت فرمانروایی بر زنان است (جدول 4).

جدول 4: پیامدهای دینی

شماره	پرسش‌ها	شاخص‌ها				
		بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
		فیصدی معیاری				
1	تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش از نظر اسلام مورد قبول نیست.	64.3	12.4	4.3	8.4	10.6

منبع: یافته‌های تحقیق SPSS26

همچنین در آمار استنباطی، ضرایب همبستگی به منظور توصیف مشخصات رابطه میان متغیرها به بررسی گرفته شده است. به اضافه، جهت پیش‌بینی نمودن مقادیر تغییر متغیرها در اثر یک دیگر، رگرسیون چند متغیره را نیز سنجش نموده ایم.

1) ضریب همبستگی

ضریب همبستگی به بررسی رابطه میان دو متغیر می‌پردازد. در واقع ضریب همبستگی فقط یک شاخص است که ویژه‌گی‌های خلاصه شده از رابطه دو متغیر را ارائه می‌کند. ضرایب همبستگی انواع مختلفی داشته و هر کدام کاربرد خاص خود را دارند که در این تحقیق با توجه به دلایل موجه ذیل، از ضریب همبستگی پیرسون¹⁶ استفاده نمودیم:

1. متغیرها در این تحقیق از نوع پارامتری اند؛

2. متغیرها دارای توزیع نورمال اند؛

3. ضریب همبستگی پیرسون، استفاده گسترده و کاربردی دارد؛

از آزمون همبستگی پیرسون جهت بررسی رابطه میان متغیرهای تحقیق استفاده نمودیم. در این روش معناداری، شدت و جهت رابطه میان متغیرها سنجش شده است. در آزمون پیرسون هنگامی رابطه معنادار میان دو متغیر وجود می‌داشته باشد که سطح معناداری به دست آمده از متغیر، کمتر از مقدار مفروض (0.05) بوده باشد. همچنین جهت و شدت رابطه را نیز می‌توان سنجش نمود. در آزمون پیرسون، p سطح معناداری، r ضریب همبستگی پیرسون و N تعداد یا حجم نمونه می‌باشد.

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که به استثنای یک متغیر، میان سایر متغیرها با تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش رابطه معنادار وجود داشته که در برخی از متغیرها جهت رابطه مثبت و در برخی منفی است. همچنین، شدت رابطه میان بعضی از متغیرها قوی و میان بعضی ضعیف هستند (جدول 5).

¹⁶ Person

جدول (5)

Correlations همبستگی		
تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش اثر منفی بر رشد اقتصادی و اجتماعی دارد.	Pearson Correlation همبستگی پیرسون	1
	Sig. (2-tailed) سطح معنی داری	
	N تعداد	395
تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث کاهش بهره‌وری و توانمندی زنان میگردد.	Pearson Correlation	-.461
	Sig. (2-tailed)	.004
	N	395
تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث افزایش بیکاری می‌گردد.	Pearson Correlation	.224**
	Sig. (2-tailed)	.000
	N	395
تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث افزایش فقر می‌گردد.	Pearson Correlation	.548**
	Sig. (2-tailed)	.003
	N	395
تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث کاهش سرمایه انسانی می‌گردد.	Pearson Correlation	-.324
	Sig. (2-tailed)	.006
	N	395
تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث کاهش اشتغال می‌گردد.	Pearson Correlation	-.727
	Sig. (2-tailed)	.011
	N	395
تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش پیامد منفی بر آموزش فرزندان دارد.	Pearson Correlation	.815**
	Sig. (2-tailed)	.000
	N	395
تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث کاهش تولیدات داخلی می‌گردد.	Pearson Correlation	-.443**
	Sig. (2-tailed)	.004
	N	395

تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث کاهش عاید ملی میگردد.	Pearson Correlation	-.859**
	Sig. (2-tailed)	.001
	N	395
تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش اثر نامطلوب بر تخصص نیروی کار دارد.	Pearson Correlation	.508**
	Sig. (2-tailed)	.000
	N	395
تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث کاهش خلاقیت و نوآوری میگردد.	Pearson Correlation	-.662
	Sig. (2-tailed)	.019
	N	395
تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث کاهش امید به زندگی میگردد.	Pearson Correlation	-.023
	Sig. (2-tailed)	.001
	N	395
تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث افزایش خشونت های خانوادگی میگردد.	Pearson Correlation	.648
	Sig. (2-tailed)	.000
	N	395
تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش اثرات مثبت روحی بر زنان دارد.	Pearson Correlation	-.438
	Sig. (2-tailed)	.008
	N	395
تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش از نظر اسلام مورد قبول نیست.	Pearson Correlation	.065
	Sig. (2-tailed)	.198
	N	395

منبع: یافته‌های تحقیق SPSS26

2) رگرسیون چند متغیره

در تحلیل رگرسیون، مقادیر یک متغیر را از روی مقادیر متغیر یا متغیرهای دیگر پیش‌بینی می‌کنیم. در این حالت یک تعداد متغیرها را بعنوان متغیر مستقل که از آنها بعنوان پیش‌بینی کننده‌ی متغیر وابسته استفاده می‌کنیم، مشخص نموده و به تبیین و تخمین تغییرات متغیر وابسته در اثر تغییرات متغیر یا متغیرهای مستقل می‌پردازیم.

جدول ذیل، ضریب همبستگی چندگانه (R)، ضریب تعیین (R Square)، ضریب تعیین تعدیل شده (Adjusted R Square) و خطای استاندارد تخمین (Std. Error of the Estimate) می‌باشد. ضریب همبستگی چندگانه (R): این ضریب همبستگی، همبستگی چندگانه را میان مقادیر مشاهده شده-ی متغیر مستقل و وابسته توسط مدل رگرسیون نشان می‌دهد. دامنه این ضریب میان 0 تا 1 می‌باشد. به هر اندازه که مقدار ضریب به 1 نزدیک‌تر باشد همبستگی چندگانه قوی را نشان می‌دهد. با توجه به یافته‌ها، مقدار ضریب همبستگی چندگانه 0.854 است که نشان می‌دهد همبستگی قوی میان متغیرهای مستقل و وابسته وجود دارد.

ضریب تعیین (R Square): این ضریب میزان واریانس متغیر وابسته را توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌نماید. دامنه این ضریب نیز میان 0 تا 1 است اما اکثراً جهت تفسیر ضریب تعیین از ضریب همبستگی تعیین تعدیل شده استفاده می‌نمایند، زیرا در این مقدار ضریب تعیین با درجات آزادی تعدیل شده است. مقدار ضریب تعیین تعدیل در متغیرهای این تحقیق، 0.420 است به این معنی که متغیرهای مستقل توانسته اند 42 فیصد واریانس متغیر وابسته را پیش‌بینی نمایند و یا می‌توان تحلیل نموده که 42 درصد از واریانس رشد اقتصادی و اجتماعی، ناشی از متغیرهای مستقل (بهره‌وری و توانمندی زنان، بیکاری، فقر، سرمایه انسانی، اشتغال، عاید ملی، تولیدات داخلی، خلاقیت و نوآوری، تخصص نیروی کار، آموزش فرزندان، امید به زندگی، خشونت‌های خانوادگی، روحیه زنان و اسلام) است (جدول 6).

جدول (6)

Model Summary				
خلاصه مدل				
Model	R ضریب همبستگی چندگانه	R Square ضریب تعیین	Adjusted R Square ضریب تعیین تعدیل شده	Std. Error of the Estimate خطای استاندارد تخمین
1	.854 ^a	.425	.420	.686

منبع: یافته‌های تحقیق SPSS26

جدول ذیل، جدول ضرایب و مهمترین جدول رگرسیون است. این جدول ضریب رگرسیون غیر استاندارد (B)، ضریب رگرسیون استاندارد شده (Beta)، مقدار t و سطح معناداری (Sig) را ارائه می‌دهد. مهمترین بخش‌های این جدول مربوط به (Beta) و سطح معناداری است. با توجه به سطح معناداری حاصل شده از متغیرها می‌توان تبیین نمود؛ چون سطح معناداری مجموع متغیرها به استثنای اسلام (بهره‌وری و توانمندی زنان، بیکاری، فقر، سرمایه انسانی، اشتغال، عاید ملی، تولیدات داخلی، خلاقیت و نوآوری، تخصص نیروی کار، آموزش فرزندان، امید به زندگی، خشونت‌های خانوادگی و روحیه زنان) پایین‌تر از 0.05 به دست آمده است، بناً می‌توان گفت؛ این متغیرها بر متغیر رشد اقتصادی و اجتماعی تأثیرگذار بوده و می‌توانند تغییرات رشد اقتصادی و اجتماعی را پیش‌بینی کنند. ضریب استاندارد شده نشان می‌دهد که تأثیرگذاری هر کدام از متغیرها متفاوت است، با مقایسه ضریب استاندارد شده، بعضی از متغیرها از قبیل؛ خشونت‌های خانوادگی، عاید ملی، بیکاری و ... به ترتیب تأثیرات بیشتری داشته و پیش‌بینی‌کننده‌های قوی‌تری نسبت به سایر متغیرها هستند (جدول 7).

جدول (7)

Coefficients ^a						
ضرایب						
Model	Unstandardized Coefficients ضرایب غیر استاندارد		Standardized Coefficients ضرایب استاندارد شده	T معنی داری	Sig. معنی- داری	
	B ضریب رگرسیون غیر استاندارد	Std. Error خطا استاندارد	Beta ضریب رگرسیون استاندارد			
1	(Constant) متغیرهای مستقل	1.036	.144		7.193	.000
	تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث کاهش بهره وری و توانمندی زنان میگردد.	-.057	.072	-.041	-1.981	.000
	تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث افزایش بیکاری میگردد.	.049	.076	.052	2.646	.001
	تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث افزایش فقر میگردد.	.063	.055	.066	1.142	.000
	تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث کاهش سرمایه انسانی میگردد.	.002	.064	.002	2.031	.004
	تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث کاهش اشتغال میگردد.	-.018	.060	-.021	-1.298	.001
	تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش پیامد منفی بر آموزش فرزندان دارد.	.190	.084	.197	2.267	.000
	تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث کاهش تولیدات داخلی میگردد.	.123	.076	.137	1.920	.000
	تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث کاهش عاید ملی میگردد.	.016	.086	.018	3.184	.000

تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش اثر نامطلوب بر تخصص نیروی کار دارد.	.160	.078	.204	2.068	.002
تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث کاهش خلاقیت و نوآوری میگردد.	-.189	.080	-.201	-2.374	.050
تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث کاهش امید به زندگی میگردد.	.075	.062	.107	1.913	.001
تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث افزایش خشونت های خانوادگی میگردد.	-.196	.052	-.318	-3.742	.000
تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش اثرات مثبت روحی بر زنان دارد.	-.011	.022	-.026	-2.470	.003
تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش از نظر اسلام مورد قبول نیست.	-.018	.033	-.034	-3.541	.589
متغیر وابسته a. Dependent Variable تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش اثر منفی بر رشد اقتصادی و اجتماعی دارد.					

منبع: یافته‌های تحقیق SPSS26

مدل رگرسیون

رگرسیون را می‌توان بر حسب معادله نیز تبیین نمود، بناً معادله‌ی رگرسیون در تحقیق حاضر را می‌توان چنین نوشت:

$$\text{Economic \& Social Growth} = \beta_0 + \beta_1(\text{Efficiency \& Power of Woman's}) + \beta_2(\text{Unemployment}) + \beta_3(\text{Poverty}) + \beta_4(\text{Capital Human}) + \beta_5(\text{Occupation}) + \beta_6(\text{Children Education}) + \beta_7(\text{Internal Productions}) + \beta_8(\text{National Income}) + \beta_9(\text{Manpower Specialty}) + \beta_{10}(\text{Invention}) + \beta_{11}(\text{Life Expectancy}) + \beta_{12}(\text{Violence}) + \beta_{13}(\text{Impress}) + \beta_{14}(\text{Islam}) \dots \text{ui.}$$

بحث و نتیجه گیری

زنان افغان بر علاوه سایر جنبه‌های زندگی، در عرصه آموزش نیز همواره با مشکلات و افری درگیر بوده اند. طی بیست سال اخیر و پسا سقوط رژیم طالبان در سال 2001، سعی بر مطرح نمودن خویش در جامعه‌ی سنتی و محدود افغانستان و کسب دستاورد در عرصه‌های مختلف مخصوصاً آموزش داشته اند که نتایج خوبی را به دنبال داشته است؛ نرخ باسوادی در میان زنان بلند رفته و میزان مشارکت آنها در تحصیلات بیشتر شد. اما بار دیگر تاریخ تکرار شد و زنان افغان به بیشتر از دو دهه گذشته برگشتند. گذشته‌ی که در آن زنان از همه نوع حقوق خویش محروم بودند، حتی آموزش که فرض الهی است.

بر همین مبنا، این تحقیق انجام شده است تا از یک جانب دیدگاه مردم پیرامون پیامدهای تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش زنان دریافت گردیده و تحلیل شود از جانب دیگر، اثرات تبعیض جنسیتی بر رشد اقتصادی و اجتماعی کشور نمایان گردد تا مطابق یافته‌ها راهکارهای مناسب و مؤثر اتخاذ و معضله آموزش زنان و دختران حل گردد. این تحقیق از نوع میدانی و کتابخانه‌ی بوده، نمونه گیری تصادفی انجام شده، تعیین حجم نمونه بر اساس فورمول یمانه (395 تن) صورت گرفت که پرسشنامه بصورت آنلاین در 34 ولایت افغانستان توزیع و جمع‌آوری گردید. همچنین جهت بررسی میزان اعتبار داده‌ها از آزمون آلفا کرونباخ استفاده شده که یافته‌ها نشان داد داده‌ها از اعتبار خوبی برخوردار اند. همبستگی و ریگرسیون نیز میان متغیرها سنجش شده است که نتایج نشان داد، همبستگی میان اکثر متغیرها وجود داشته و متغیرهای مستقل توانسته اند متغیر وابسته را به پیمان‌های مختلف؛ تحت تأثیر قرار دهند که، با هر فیصد افزایش تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش باعث، (4.1 فیصد) کاهش توانمندی و بهره‌وری زنان، (5.2 فیصد) افزایش بیکاری، (6.6 فیصد) افزایش فقر، (0.2 فیصد) کاهش سرمایه انسانی، (2.1 فیصد) کاهش اشتغال، (19.7 فیصد) اثر منفی بر آموزش فرزندان، (13.7 فیصد) کاهش تولیدات داخلی، (1.8 فیصد) کاهش عاید ملی، (20 فیصد) اثر نامطلوب بر تخصص نیروی کار، (20 فیصد) کاهش خلاقیت و نوآوری، (10 فیصد) کاهش امید به زندگی، (31 فیصد) افزایش خشونت‌های خانوادگی، (2.6 فیصد) اثرات مثبت روحی بر زنان داشته و (3.4 فیصد) از نظر اسلام مورد قبول نیست. نهایتاً، نتایج تحقیق رابطه معنی‌دار میان تبعیض جنسیتی در دسترسی به آموزش و رشد اقتصادی و اجتماعی را نشان می‌دهد.

سایر تحقیقات صورت گرفته در این زمینه نیز نتایج تقریباً مشابه را ارائه نموده اند اما یک سلسله ویژگی‌ها این تحقیق را متمایز از آنها می‌سازد. تا کنون در عین موضوع تحقیقی در سطح افغانستان انجام نشده است، تحقیق حاضر همه مردم افغانستان را شامل گردیده، در آن دقت فراوان صورت گرفته و به تمام جوانب آن پرداخته شده است.

منابع و مأخذ

1. قرانکریم
2. حدیث
3. نیکپی طبری، آتنا و میلا علمی، زهرا. (2014). اثر تبعیض جنسیتی در آموزش بر رشد اقتصادی کشورهای خاور میانه و شمال افریقا. پایگاه مجلات تخصصی نور.
4. اداره ملی احصائیه و معلومات. (2021). سالنامه احصائیوی . کابل: NSIA.
5. اداره ملی احصائیه و معلومات. (2022). برآورد نفوس. کابل: NSIA.
6. علی‌بخش زاده، ام‌البین و همکاران. (2022). بررسی حق آموزش زنان در فقه و حقوق ایران و سند 0202 یونسکو. فقه و تاریخ تمدن، 26، 34-26.
7. پرتوی، بامداد و همکاران. (2009). بررسی اثر نابرابری جنسیتی بر رشد اقتصادی ایران. مدل سازی اقتصادی، 51-76.
8. رحمانی، تیمور و کاوه، سپیده. (1394). آیا تبعیض جنسیتی عامل بازدارنده رشد اقتصادی کشورها است؟ تحقیقات اقتصادی، 593-616.
9. عبادی، جعفر و محمد جواد صالحی . (1389). اثر نابرابری سرمایه انسانی در زنان و مردان بر امید به زندگی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، 81.
10. زاهد، زیدالله و همکاران. (1399). از تبعیض جنسیتی به سوی برابری و رشد اقتصادی. زن در توسعه و سیاست، دوره 18، شماره 4، 662-643.
11. رزمی، سید محمد جواد و کاوسی، شراره. (2014). بررسی رابطه بین نابرابری جنسیتی و توسعه اقتصادی در استان های ایران. مجله اقتصاد و توسعه منطقهای.
12. علوی، سید نورالدین و همکاران. (2009). زن، شریعت، جنسیت. کابل: بنیاد فردریش ایبرت.
13. کبری خاوری و همکاران. (1392). رابطه احساس نابرابری جنسیتی با سلامت روان. رفاه اجتماعی.
14. قرضاوی، محمد یوسف. (2013). جایگاه زن از دیدگاه اسلام. کابل: مستقبل.

15. گزارشگر ویژه. (2022). وضعیت حقوق بشر در افغانستان. سازمان ملل متحد.
16. کتابی، محمود و همکاران. (1382). توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه. پژوهش زنان.
17. قره باغیان، مرتضی. (1390). اقتصاد رشد و توسعه. تهران: نشر نی.

English References:

18. Abdallah Al Dardari. (2020) Afghanistan Human Development Report . Kabul: UNDP Afghanistan.
19. Amartya Sen. (200) .Many Facts of Gender Inequality. India's National Magazine,18.
20. Hafizullah Aiuby & Deyana Danishwar. (2022) Examining the Womans Linkage between Their Income and Expenses in Afghanistan Along With Some Case Examples in Takhar Provinces. International Journal of Social Science Research and Review, 218-228.